

مقایسه عزت نفس جنسی و اندروژن زنان متقاضی طلاق، مطلقین و متاهل شهر ارومیه

فاطمه آبیاری^۱، علی خادمی^۲

^۱ گروه روان شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

^۲ دانشیار گروه روان شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی مقایسه‌ای عزت نفس جنسی و اندروژن متقاضی طلاق، مطلقین و افراد متاهل عادی شهر ارومیه بود. تحقیق حاضر از نوع علی مقایسه ای بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل سه گروه زنان متقاضی طلاق، زنان مطلقین و زنان متاهل شهر ارومیه بود. برای مقایسه گروه ها، از هر گروه تعداد ۴۸ نفر انتخاب شد. برای انتخاب نمونه زنان متقاضی طلاق به دادگاه خانواده شهر ارومیه مراجعه شد و با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس نمونه انتخاب شد. برای انتخاب زنان مطلقه و زنان متاهل نیز از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد. ابزارهای اندازه گیری شامل پرسشنامه‌ی عزت نفس جنسی زنان- فرم کوتاه (زینا و اسچوارز، ۱۹۹۶) و پرسشنامه‌ی نقش جنسیتی بوم بود. برای تجزیه و تحلیل از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون جداول توافقی با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که بین مولفه های عزت نفس جنسی در بین سه گروه تفاوت وجود دارد. همچنین سطوح اندروژنی بین افراد متاهل با افراد متقاضی طلاق و مطلقین در سطح ۵٪ تفاوت معنی داری داشتند، ولی بین دو گروه افراد متقاضی طلاق و مطلقین تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: عزت نفس جنسی، اندروژنی، زنان مطلقه، زنان در حین طلاق، زنان متاهل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

خانواده نخستین نظامی است که در آن اعضا ارتباط متقابل دارند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. عنصر هسته‌ای در یک تعامل سالم، برقراری یک رابطه اثربخش است که به ایجاد رفتارهای مطلوب که منجر به ایجاد تعاملی رضایت‌بخش و شاد می‌شود، کمک می‌کند. بنابراین ارتباطات اثربخش در خانواده، شالوده انسجام و ثبات آن خانواده محسوب می‌شود. پدیده طلاق مرد و زن را به‌عنوان دو جنس از هم جدا می‌کند و بین زن و مرد فاصله می‌اندازد (نوابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). در واقع طلاق یک موضوع پیچیده و چندبعدی است. یکی از ابعاد مهم طلاق بعد اجتماعی و فرهنگی است. این بعد در تصور معنایی طلاق و پیامدهای آن و بار منفی این پدیده بویژه برای زنان نقشی بسزایی دارد. در کشور ما، طلاق دارای بار معنایی منفی بیشتر است. این بار منفی بیشتر به دلایل بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه پژوهش است که روایت‌های دینی و فرهنگی طلاق را امری مذموم تقبیح می‌شمارند، بنابراین بستر فرهنگی و اجتماعی ساخت معنایی طلاق را دارای بار منفی بیشتر کرده است. بر اساس آمار ثبت احوال کشور، در سال ۹۳ به ازای هر ۴/۴ مورد ازدواج در کشور یک مورد طلاق به ثبت رسیده و این در حالی است که سال ۹۲ به ازای هر پنج مورد ازدواج یک مورد طلاق به ثبت رسیده است. بنابراین بر اساس آمارها رشد نرخ طلاق در کشور با گذشت زمان افزایش یافته و نگران‌کننده است. طلاق پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر فزاینده آسیب روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر مرگ، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، قتل برای زوجین و خطر افسردگی و خودکشی، انزوا و شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و عملکرد تحصیلی پایینی برای فرزندان دارد (سیف، ۱۳۸۳).

مسائل جنسی و عزت نفس در زندگی زناشویی از مسائل درجه اول و دارای اهمیت در روابط بین زوجین است که می‌تواند بر همه ارتباطات و تعاملات زندگی آنان تأثیرگذار باشد. عزت نفس به عنوان یک نگرش مثبت یا منفی به عنوان خویشتن تعریف شده است. یکی از جنبه‌های عزت نفس، عزت نفس جنسی است که بر رفتارهای جنسی تأثیرگذار می‌باشد (بث، جولین، انتونی و میشل، ۲۰۱۰). در واقع عزت نفس جنسی به توانایی فرد برای ارضا کردن یا ارضا شدن توسط یک شریک جنسی و فرصتها برای درگیر شدن در فعالیت جنسی، احساس فرد درباره جذابیت جنسی خود، صرف نظر از اینکه دیگران چه درکی از او دارند. همچنین توانایی هدایت یا مدیریت افکار، احساسات و تعاملات جنسی خود، تناسب افکار، احساسات و رفتارهای جنسی فرد با معیارهای اخلاقی و همچنین تناسب یا سازگاری تجربه یا رفتار جنسی خود با دیگر اهداف یا اشتیاق های فردی اشاره دارد (گاس و همکاران، ۲۰۱۷). زینا و آسچوارز (۱۹۹۶) از جمله پژوهشگرانی هستند که با بسط

^۱Beth, Julien, Anthony & Michael

^۲Guess

^۳Zeanah & Schwarz

الگوی عزت نفس هارتر (۱۹۸۴) به عزت نفس جنسی از بعد اهمیت یادگیری اولیه، درون‌سازی خانواده، همسالان و جامعه اشاره کرده‌اند که هر شخص به عنوان ملاک ارزیابی افکار، احساسات و رفتارهای جنسی خود آن را در تحول هنجارهایش حیاتی می‌داند. به اعتقاد آنها واکنش عاطفی فرد نسبت به ارزیابی‌های ذهنیش، پایه عزت نفس جنسی و پنج مولفه آن را تشکیل می‌دهد. پنج مولفه عزت نفس جنسی، عبارتند از مهارت و تجربه، یعنی توانایی لذت بردن از شریک جنسی خود، جذابیت یعنی باور داشتن زیبایی و جذابیت خود، کنترل یعنی توانایی مدیریت افکار، احساسات و رفتارهای جنسی خود؛ قضاوت اخلاقی یعنی توانایی ارزشیابی افکار، احساسات، رفتارهای جنسی و معیارهای اخلاقی خود؛ انطباق‌پذیری، یعنی توانایی سازگاری تجارب رفتار جنسی خود با اهداف شخصی دیگران. بنابراین رفتار جنسی قسمتی از شخصیت فرد و مجموعه‌های از باورها، نگرشها و عملکردهایی است که شخص در ارتباط با جنس مخالف و امور مرتبط با آن دارد (کاوه، ۱۳۸۷). فیروزی، آزموده و اصغری پور (۱۳۹۶) نشان دادند که ارتباط معناداری بین ویژگی شخصیتی روان نژندی، برون‌گرایی، توافق و باوجدان بودن با عزت نفس جنسی وجود دارد، اما رابطه باز بودن نسبت به تجربه با عزت نفس تجربی معنی دار نبود. دیلاشن و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی نشان دادند که رابطه‌ی معنی‌داری بین عزت نفس جنسی، رضایت جنسی و ناکارآمدی جنسی وجود دارد. اسدپور و ویسی (۱۳۹۶) نشان دادند که نمرات عزت نفس جنسی پس از مداخله زوج درمانی هیجان-محور در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه به طور معنی‌داری افزایش یافت. خلیلی و هنرپروان (۱۳۹۶) نشان دادند که بین آگاهی فراشناختی و ابعاد آن با عزت نفس جنسی زنان رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. بت آ، جولین، آنتونی و میشل (۲۰۱۰) به بررسی آسیب روانی، رفتار جنسی و عزت نفس^۷ در زنان و مردان پرداختند. این پژوهش روی ۱۹۸ آزمودنی اجرا شد و نتیجه‌ی پژوهش نشان داد که تفاوت اساسی چشمگیری در همبستگی آسیب روانی با جنسیت وجود دارد. در مردان آسیب روانی با عزت نفس بالا، ارتباط دارد، در حالی که در زنان آسیب روانی با عزت نفس پائین در ارتباط است. منارد و افمن (۲۰۰۹) در تحقیقی ارتباط بین عزت نفس جنسی، جسارت جنسی و رضایت جنسی را بررسی و با تأیید ارتباط قدرتمند بین این سه متغیر، جسارت جنسی را متغیر میانجی بین عزت نفس جنسی و رضایت‌مندی جنسی معرفی کرده است. در این تحقیق، فرضیه منارد و افمن مبنی بر اینکه عزت نفس جنسی بالا به رضایت جنسی منجر خواهد شد و جسارت جنسی میانجی این ارتباط است، تأیید شد.

^۱Harter^۲Dilation^۳Beht.A, Julien, Antohony & Michael^۴Psychopathologist^۵Melanie, Offman

مردانگی و زنانگی به یک مجموعه از خصوصیات اشاره دارد که اساساً با هر یک از جنس‌ها تداومی می‌شود و باعث ایجاد تفاوت از جنسی به جنس دیگر می‌شود. به طور سنتی، زنانگی و مردانگی به عنوان دو قطب مخالف و حوزه‌های مناسب یک جنس تلقی می‌شوند. ولی حضور هر دو صفت در یک جنس جزء دیدگاه جایگزین است و مردانگی و زنانگی را همراه با هم می‌آورد، که با عنوان اندروژنی شناخته می‌شود. در واقع فردی که دارای نگرش و رفتار اجتماع‌پسند زنانه و مردانه با هم باشد، دو جنسیتی «اندروژنی» گفته می‌شود. اساساً واژه اندروژنی یونانی است و از دو بخش اندرو یعنی مرد و ژنی یعنی زن تشکیل می‌شود که همان معنای دو جنسیتی را در خود دارد (کوک، ۲۰۰۰). اندروژنی یکی از چهار سنخ عمده هویت جنسی بم (۱۹۷۸) است. اندروژنی یک جهت‌گیری جنسیتی است که در آن صفات زیادی از هر دو اسنادهای زنانه و مردانه را در شخصیت خود یکپارچه می‌سازد. به عبارت دیگر، فرد اندروژن تعداد زیادی از ویژگی‌های مردانه و زنانه را دارد. به اعتقاد بم افراد اندروژن نسبت به هم‌تایان خود از بهداشت روانی بیشتری برخوردار هستند. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که افراد اندروژنی دوست داشتنی‌تر، سازگارتر و راحت‌تر در روابط، خشنودتر در روابط بین فردی و دارای عزت نفس بالاتر هستند. یافته‌های پژوهشی نیز حاکی از آن است که زنان غیراندروژن اضطراب و افسردگی بیشتری در مقایسه با زنان اندروژن دارند. در صورتی که زوج‌های اندروژن رضایت زناشویی بیشتری دارند (باسول، ۱۹۹۹). جانک معتقد است که ترکیبی از مردانگی و زنانگی در درون هر کسی به طور فطری وجود دارد و همین امر اساس شخصیت یکپارچه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افرادی با هویت جنسیتی وابسته به جنس (غیر اندروژنی‌ها)، انگیزه بیشتری برای حفظ یکپارچگی رفتاریشان با استانداردهای درونی شده با نقش جنسی خود دارند، در مقابل اندروژنی‌ها کسانی هستند که این خصوصیات را ندارند و آزادانه بین رفتارهای مردانگی و زنانگی حرکت و کسب تجربه می‌کنند. درباره خصوصیات و رفتارهای افراد اندروژنی و غیراندروژنی پژوهش‌های زیادی انجام شده است. افراد اندروژنی نسبت به اشخاص دیگر در زمینه انعطاف‌پذیری و سلامت روان، مزایای بیشتری کسب می‌کنند، زیرا افراد اندروژنی دارای آرامش بیشتر و در فعالیتهای مختلف شایسته‌تر و کارآمدتر عمل می‌کنند (ستمیر، ۲۰۰۷). کیمی (۲۰۱۴) در تحقیقی نشان داد که افراد اندروژنی هویت کامل‌تری دارند و در ارتباطات اجتماعی و روابط عاشقانه انعطاف‌پذیری بیشتری دارند. براوین و تایلکا (۲۰۱۱) در تحقیقی نشان دادند که اندروژنی، انحراف^۱ از هنجارهای مخصوص جنسیت است، و به عنوان ناهنجاری و ناسازگاری شناخته می‌شود که این امر به فرهنگ و موقعیت فرهنگی و اجتماعی هم بستگی دارد.

^۱Cook^۲Basoul^۳Setmire^۴Kimhi^۵Brown, Tylka

با توجه به موارد ذکر شده در بالا، در این تحقیق به مقایسه‌ی متغیرهای عزت نفس جنسی و اندروژن در بین زنان طلاق گرفته، متقاضی طلاق و زنان متاهل شهر ارومیه پرداخته خواهد شد. تا زمان شروع این تحقیق در ایران، پژوهشی که چنین تفاوتی را نشان دهد، انجام نشده است.

روش اجرا:

تحقیق حاضر از نوع علی مقایسه ای است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل سه گروه بود. گروه اول شامل زنان متقاضی طلاق، گروه دوم شامل زنان مطلقین و گروه سوم شامل زنان ازدواج کرده عادی شهر ارومیه در سال ۱۳۹۸ بود. حجم نمونه در پژوهش های علی-مقایسه ای برای هر گروه باید حداقل ۱۵ نفر باشد. اما برای تامین اعتبار بیرونی تحقیق و کاهش خطای نمونه گیری حجم زیرگروه ها بهتر است بیشتر در نظر گرفته شود (فتیحی آشتیانی، ۱۳۹۵). از این رو برای مقایسه گروه ها، تعداد ۴۸ نفر زن مطلقه، ۴۸ نفر متقاضی طلاق و ۴۸ نفر زن متاهل به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شد. برای انتخاب نمونه زنان متقاضی طلاق به دادگاه خانواده شهر ارومیه مراجعه شد و با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس نمونه انتخاب شد. برای انتخاب زنان مطلقه و زنان متاهل نیز از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. به منظور اندازه‌گیری عزت نفس جنسی از پرسشنامه‌ی عزت نفس جنسی زنان - فرم کوتاه (زینا و اسچوارز ، ۱۹۹۶) استفاده شد. این پرسشنامه که ۳۵ گویه دارد، برای سنجش پاسخ‌های موثر در ارزیابی جنسی زنان از خود تدوین شده است. پرسش‌ها در یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از ۱ تا ۵ (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) پاسخ داده می‌شوند. گویه‌های ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹ و ۳۱ نمره‌گذاری معکوس دارند. این پرسشنامه پنج خرده مقیاس دارد که بازتابی از حوزه‌های عزت نفس جنسی هستند:

۱. تجربه و مهارت: توانایی فرد برای ارضا کردن یا ارضا شدن توسط یک شریک جنسی و فرصت‌ها برای درگیر شدن در فعالیت جنسی (سوالات ۲، ۳، ۱۱، ۱۴، ۱۵ و ۱۷).
۲. جذابیت: احساس فرد درباره جذابیت جنسی خود، صرف نظر از اینکه دیگران چه درکی از او دارند (سوالات ۱، ۵، ۱۰، ۲۰، ۲۵، ۳۰ و ۳۱).
۳. کنترل: توانایی هدایت یا مدیریت افکار، احساسات و تعاملات جنسی خود (سوالات ۴، ۷، ۹، ۱۲، ۱۹ و ۲۷).
۴. قضاوت اخلاقی: تناسب افکار، احساسات و رفتارهای جنسی فرد با معیارهای اخلاقی‌اش (سوالات ۸، ۱۶، ۱۸، ۲۳، ۲۸ و ۳۲).
۵. انطباق: تناسب یا سازگاری تجربه یا رفتار جنسی فرد با دیگر اهداف یا اشتیاق‌های فردی (سوالات ۶، ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۴ و ۲۶).

ضریب آلفای کرونباخ برای کل این مقیاس ۰/۹۲، برای مهارت و تجربه ۰/۸۴، برای جذابیت ۰/۸۸، برای کنترل ۰/۸۰، برای قضاوت اخلاقی ۰/۸۰ و برای انطباق ۰/۸۰ گزارش شده است. در پژوهش فرخی و شاره (۱۳۹۳) که هنجاریابی این پرسشنامه را انجام داده‌اند گویه‌های ۱، ۳ و ۳۳ به دلیل بار عاملی کمتر از ۰/۳۰ از مجموع گویه‌ها حذف شدند و تعداد گویه‌ها از ۳۵ گویه به ۳۲ گویه کاهش یافته است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس‌های تجربه و مهارت، جذابیت، قضاوت اخلاقی و انطباق به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۵۴، ۰/۶۶، ۰/۷۲ و ۰/۶۲ بدست آمد و روایی محتوایی و سازه پرسشنامه نیز مطلوب گزارش گردید. به منظور اندازه‌گیری اندروژن از پرسشنامه نقش جنسیتی بَم (۱۹۷۴) استفاده شد. این آزمون شامل ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی است. از پاسخ دهندگان در خواست می شود برای هر مورد نشان بدهند که در مقیاسی از ۱ (هرگز یا تقریباً هرگز درست نیست) تا ۷ (همیشه یا تقریباً همیشه درست است) آن صفت تا چه حد می‌تواند آنها را توصیف کند. از ۶۰ صفت موجود ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای زنانه (۲-۵-۸-۱۱-۱۴-۱۷-۲۰-۲۳-۲۶-۲۹-۳۲-۳۵-۳۸-۴۱-۴۴-۴۷-۵۰-۵۳-۵۶-۵۹) است و ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای مردانه (۱-۴-۷-۱۰-۱۳-۱۶-۱۹-۲۲-۲۵-۲۸-۳۱-۳۴-۳۷-۴۰-۴۳-۴۶-۴۹-۵۲-۵۵-۵۸) و ۲۰ صفت خنثی (۳-۶-۹-۱۲-۱۵-۱۸-۲۱-۲۴-۲۷-۳۰-۳۳-۳۶-۳۹-۴۲-۴۵-۴۸-۵۱-۵۴-۵۷-۶۰) است. یعنی رفتار وابسته به جنسیت نیست. افراد هرگاه این آزمون را انجام دهند دو نمره به دست می‌آورند: یک نمره مردانگی و یک نمره زنانگی. نمره مردانگی نمره متوسط خودسنجی‌های آنها در موارد مردانگی است و نمره زنانگی آنها نمره متوسط خودسنجی‌های آنان در موارد زنانگی است. بَم بالا بودن را بالاتر از میانه (میانه نمره متوسط است) تعریف می‌کند. میانه در هریک از این مقیاس‌ها معمولاً ۴/۹ است. بنابراین افرادی دو جنسیتی هستند که نمرات آنها در مقیاس مردانگی و نیز در مقیاس زنانگی بالاتر از میانه باشد. فردی با ویژگی‌های زنانه که نمرات بالا (بالاتر از میانه) در زنانگی دارد اما در مردانگی نمره پایین (زیر میانه) به دست می‌آورد ویژگی غالب زنانه، همین‌طور فردی با ویژگی مردانه که نمره اش در مقیاس مردانگی بالاست اما نمره اش در مقیاس زنانگی پایین است ویژگی غالب مردانه، بالاخره افرادی که در هر دو مقیاس نمره پایین کسب می‌کنند نامتمایز نامیده می‌شوند، چراکه آنها به خود در هیچ یک از صفات مردانه یا زنانه رتبه بالایی نمی‌دهند. بنابراین فرد با انجام دادن این پرسشنامه می‌تواند در یکی از ۴ گروه جای گیرد؛ مردانه، زنانه، دوجنسیتی، و یا نامتمایز. بَم (۱۹۸۱) جهت محاسبه اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه نقش جنسی همبستگی آن را با فرم بلند بررسی کرد و ضریب همبستگی بین این دو را ۹۹٪ به دست آورد. اعتبار آزمون فرم کوتاه نقش جنسی بَم به گزارش مهرابی زاده و همکاران (۱۳۸۵) با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. ضریب همبستگی کل آزمون برای زنان ۹۹٪ و مردان ۷۵٪ به دست آمده است. بَم همسانی درونی این مقیاس را ۹۰٪ به دست آورد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۸۰٪ به دست آمد که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون است. نهایتاً به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون جداول توافقی با استفاده از نرم افزار Spss استفاده شد.

یافته‌ها:

بر اساس یافته‌ها توصیفی میانگین سنی شرکت کنندگان برای کل نمونه برابر ۳۵/۱۴ سال، میانگین سنی شرکت کنندگان برای گروه متاهلین برابر ۳۳/۸۸ سال، میانگین سنی شرکت کنندگان برای گروه افراد متقاضی طلاق برابر ۳۵/۷۹ سال و میانگین سنی شرکت کنندگان برای گروه مطلقین برابر ۳۵/۷۵ سال بود. به منظور بررسی وجود تفاوت بین عزت نفس جنسی زنان متقاضی طلاق، زنان مطلقین و زنان متاهل عادی شهر ارومیه از روش تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۱: نتایج آزمون لامبدای ویلکز در تحلیل واریانس چندمتغیره عزت نفس جنسی

مجذور اتا	سطح معنی داری	آماره F	اثر	آزمون
۰/۵۷۴	۰/۰۰۰	۳۶/۸۸۰	۰/۱۸۲	لامبدای ویلکز

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان داد که بین سه گروه تفاوت معنادار وجود دارد، پس بین عزت نفس جنسی زنان متقاضی طلاق، زنان مطلقین و زنان متاهل عادی شهر ارومیه تفاوت وجود دارد.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره اثرات گروه بر عزت نفس جنسی

متغیرها	مجموع توان دوم	درجه آزادی	میانگین توان دوم	آماره F	سطح معنی داری	مجذور اتا
گروه	تجربه و مهارت	۲	۵۳۰/۱۹۴	۶۱/۴۶۴	۰/۰۰۰	۰/۴۶۶
	جذابیت	۲	۸۰۹/۶۹۴	۷۰/۴۷۷	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰
	کنترل	۲	۷۹۱/۴۳۸	۸۱/۴۰۳	۰/۰۰۰	۰/۵۳۶
	قضاوت اخلاقی	۲	۱۰۷۶/۵۹۰	۱۰۹/۲۸۳	۰/۰۰۰	۰/۶۰۸
	انطباق	۲	۸۷۸/۲۹۹	۷۲/۷۶۶	۰/۰۰۰	۰/۵۰۸

مقدار سطح معنی داری برای تمامی مولفه های عزت نفس جنسی کمتر از مقدار بحرانی ۵٪ به دست آمد. بنابراین نتیجه گرفته می شود بین مولفه های عزت نفس جنسی در بین سه گروه افراد متاهل، متقاضی طلاق و مطلقین در سطح ۵٪ و با اطمینان آماری ۹۵٪ متفاوت می باشد. حال با توجه به اینکه نتیجه تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد که مولفه های عزت نفس جنسی برای سه گروه متفاوت است، از آزمون های تعقیبی به منظور مشخص کردن تفاوت بین گروه ها برای زیر مقیاس های تحلیل استفاده شد. برای بررسی دقیق تر از آزمون تعقیبی LSD استفاده شد. نتیجه تحلیل را در ادامه مشاهده می کنید.

جدول ۳: نتایج آزمون تعقیبی LSD برای عزت نفس جنسی

متغیرهای تحقیق	گروه I	گروه J	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری
تجربه و مهارت	متاهل	متقاضی طلاق	۲/۲۵	۰/۶۰۰	۰/۰۰۰
	متاهل	مطلقین	۶/۵۴	۰/۶۰۰	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۰/۶۰۰	۴/۲۹	مطلقین	متقاضی طلاق	
۰/۰۰۰	۰/۶۹۲	۴/۳۸	متقاضی طلاق	متاهل	جذابیت
۰/۰۰۰	۰/۶۹۲	۸/۲۱	مطلقین	متاهل	
۰/۰۰۰	۰/۶۹۲	۳/۸۳	مطلقین	متقاضی طلاق	
۰/۰۰۰	۰/۶۳۶	۳/۱۹	متقاضی طلاق	متاهل	کنترل
۰/۰۰۰	۰/۶۳۶	۸/۰۶	مطلقین	متاهل	
۰/۰۰۰	۰/۶۳۶	۴/۸۸	مطلقین	متقاضی طلاق	
۰/۰۰۰	۰/۶۴۱	۵/۴۲	متقاضی طلاق	متاهل	قضاوت اخلاقی
۰/۰۰۰	۰/۶۴۱	۹/۴۴	مطلقین	متاهل	
۰/۰۰۰	۰/۶۴۱	۴/۰۲	مطلقین	متقاضی طلاق	
۰/۰۰۰	۰/۷۰۹	۳/۸۵	متقاضی طلاق	متاهل	انطباق
۰/۰۰۰	۰/۷۰۹	۸/۵۴	مطلقین	متاهل	
۰/۰۰۰	۰/۷۰۹	۴/۶۹	مطلقین	متقاضی طلاق	

مقدار سطح معنی داری آزمون های تعقیبی برای مولفه های عزت نفس جنسی برای گروه های متاهلین، متقاضی طلاق و مطلقین کمتر از مقدار بحرانی ۵٪ به دست آمده است، بنابراین نتیجه گرفته می شود که بین تمامی مولفه های عزت نفس جنسی در گروه های متاهلین، متقاضی طلاق و مطلقین تفاوت معنی داری وجود دارد. به منظور بررسی تفاوت بین اندروژنی زنان متقاضی طلاق، زنان مطلقین و زنان متاهل عادی شهر ارومیه، با توجه به اسمی بودن متغیر اندروژنی از آزمون کای دو با استفاده از جداول توافقی استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده ۵۲/۹٪ از دوجنسیتی ها مربوط به متاهلین، ۲۵/۵٪ از دوجنسیتی ها مربوط به افراد متقاضی طلاق و ۶/۲۱٪ از دوجنسیتی ها در گروه افراد مطلقه قرار دارند.

جدول ۴: نتایج آزمون ها برای مقایسه بین گروهها

سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار	آزمون ها
۰/۰۰۴	۶	۱۸/۹۱۸	آزمون کای دو پیرسون
۰/۰۰۵	۶	۱۸/۷۸۲	آزمون نسبت درستمایی
۰/۰۰۰	۱	۱۵/۵۵۴	آزمون همبستگی خط به خط

بر اساس جدول شماره ۴ مقدار سطح معنی داری برای تمامی آزمون های مقایسه ای کمتر از سطح بحرانی ۵٪ به دست آمده است. بنابراین نتیجه گرفته می شود که بین اندروژنی ها در سه گروه متاهلین، متقاضی طلاق و مطلقین تفاوت معنی داری وجود دارد. در ادامه به منظور مشخص شدن تفاوت دقیق بین گروه ها از آزمون بونفرونی استفاده شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون بونفرونی برای مقایسه دقیق اندورژنی ها بین گروهها

متغیر تحقیق	گروه I	گروه J	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری
اندورژنی	متاهل	متقاضی طلاق	-۰/۶۶۷	۰/۲۳۵	۰/۰۱۶
	متاهل	مطلقین	-۰/۹۷۹	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰
	متقاضی طلاق	مطلقین	-۰/۳۱۳	۰/۲۳۵	۰/۵۶۰

بر اساس نتایج جدول ۵ سطوح اندورژنی بین افراد متاهل با افراد متقاضی طلاق و مطلقین در سطح ۵٪ تفاوت معنی داری دارند، ولی بین دو گروه افراد متقاضی طلاق و مطلقین تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج تحلیل نشان داد که مولفه های تجربه و مهارت، جذابیت، کنترل، قضاوت اخلاقی و انطباق در بین سه گروه زنان متاهل، زنان متقاضی طلاق و زنان مطلقه تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین به منظور مشخص کردن دقیقتر اینکه این مولفه ها دقیقا بین کدام دو گروه تفاوت معنی دارند از آزمون تعقیبی ال اس دی استفاده شد و مشخص شد که تک تک مولفه ها بین سه گروه با همدیگر تفاوت معنی داری دارند. نتیجه به دست آمده از فرضیه اول با تحقیق بت، جولین، آنتونی و میشل (۲۰۱۰) همسو است. ایشان نشان دادند که تفاوت اساسی چشمگیری در همبستگی آسیب روانی با جنسیت وجود دارد. به طوری که در مردان آسیب روانی با عزت نفس بالا، ارتباط دارد، در حالی که در زنان آسیب روانی با عزت نفس پائین در ارتباط است. در تبیین نتیجه به دست آمده باید اذعان کرد که در یک جامعه سالم عزت نفس جنسی نقش مهم و کلیدی دارد. عزت نفس جنسی ما تحت تاثیر انتخاب های جنسی ما قرار دارد و این انتخاب ها روش زندگی و اهداف ما را تعیین می کند. از طرفی مولفه تجربه و مهارت به توانایی فرد برای ارضا کردن یا ارضا شدن توسط یک شریک جنسی و فرصت ها برای درگیر شدن در فعالیت جنسی اشاره دارد. بنابراین زنان متاهل که از ثبات و آرامش خاطر بیشتری نسبت به زنان در حین طلاق و زنان مطلقه دارند، توانایی بیشتری براب درگیر شدن در فعالیت های جنسی دارند. اصولا زنان در حین طلاق تمایلی به برقراری رابطه جنسی نداشته و زنان مطلقه نیز فرصت این کار را ندارند. همچنین مولفه جذابیت به احساس فرد درباره جذابیت جنسی خود، صرف نظر از اینکه دیگران چه درکی از او دارند، اشاره دارد. زنان در حین طلاق و مطلقه به دلیل وجود مشکلات فراوان و درگیری های ذهنی احساس مناسبی نسبت به جذابیت جنسی خود ندارد. ولی زنان متاهل که مشغول زندگی عادی خود هستند، فرصت پرداختن به جذابیت های جنسی خود را دارند، بنابراین وجود تفاوت بین مولفه جذابیت در بین سه گروه زنان متاهل، متقاضی طلاق و مطلقه قابل قبول است. مولفه کنترل از عزت نفس جنسی به توانایی هدایت یا مدیریت افکار، احساسات و تعاملات جنسی زنان اشاره دارد. زنان مطلقه به دلیل ترک زندگی مشترک و وجود نگاه نادرست نسبت به آنها توانایی کمتری در مدیریت افکار و احساسات خود دارند، همچنین زنان در حین طلاق نیز به دلیل باز زیاد فشار وارده به آنها فرصت و توانایی لازم برای مدیریت احساسات و تعاملات جنسی

را ندارند. بنابراین کنترل زنان متاهل با زنان مطلقه و در حین طلاق متفاوت خواهد بود. مولفه قضاوت اخلاقی به تناسب افکار، احساسات و رفتارهای جنسی فرد با معیارهای اخلاقی اش اشاره دارد. بدیهی است که زنان مطلقه و در حین طلاق به اندازه زنان متاهل توانایی رعایت کردن تناسب بین افکار و احساسات و رفتارهای جنسی خود را ندارند، بنابراین وجود تفاوت بین قضاوت اخلاقی در بین سه گروه قابل قبول است و نهایتاً مولفه انطباق مربوط به برقراری تناسب یا سازگاری تجربه یا رفتار جنسی فرد با دیگر اهداف یا اشتیاق‌های فردی است. زنان متاهل به دلیل نرمال بودن شرایط زناشویی خود نسبت به دو گروه زنان در حین طلاق و زنان مطلقه راحت‌تر می‌توانند تجربه جنسی خود را با اشتیاقات فردی خود سازگاری ببخشند، ولی زنان در حین طلاق و مطلقه در برقراری تناسب ضعیف‌تر عمل می‌کنند.

به دلیل اسمی بودن متغیر اندروژنی و تقسیم بندی زنان به چهار گروه دوجنسیتی، مردانه، زنانه و نامتمایز از جداول توافقی به منظور پاسخ گویی به فرضیه دوم استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که بین صفت‌های اندروژنی‌ها در سه گروه متاهلین، متقاضی طلاق و مطلقین تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین بر اساس آزمون تعقیبی بونفرونی بین سطوح اندروژنی زنان متاهل و زنان متقاضی طلاق و مطلقین تفاوت معنی داری وجود دارد، ولی بین دو گروه زنان متقاضی طلاق و مطلقین تفاوت معنی داری مشاهده نشد. نتیجه به دست آمده از فرضیه دوم با تحقیق حبیبی و فاطمی (۱۳۹۴) همسو بود. ایشان نشان دادند تفاوت در نقش جنسیتی موجب تفاوت در میزان تاب‌آوری می‌شود، در واقع اندروژن بودن، بدون توجه به جنسیت بر تاب‌آوری مؤثر است. همچنین با تحقیق ابوالقاسمی، شیبانی، نیرمانی و گنجی (۱۳۸۷) همسو بود. ایشان نشان دادند که بین هر یک از متغیرهای ابعاد روان‌نژندی و اندروژنی در زنان بارور، نابارور و یائسه تفاوت وجود دارد. در تبیین نتیجه فرضیه دوم باید گفت که اندروژنی یک جهت‌گیری جنسیتی است که در آن صفات زیادی از هر دو اسنادهای زنانه و مردانه را در شخصیت خود یکپارچه می‌سازد. به عبارت دیگر، فرد اندروژن تعداد زیادی از ویژگی‌های مردانه و زنانه را دارد. به اعتقاد بوم افراد اندروژن نسبت به هم‌تایان خود از بهداشت روانی بیشتری برخوردار هستند. در واقع ویژگی اندروژنی یک ویژگی مثبتی بوده و زنان دارای ویژگی دو جنسیتی قادر خواهند بود که با همسر خود رابطه بهتری برقرار کنند. زیرا زن دارای ویژگی دوجنسیتی دارای ویژگی‌های مردانه نیز می‌باشد، بنابراین قادر به درک بهتر رفتارهای همسر خود خواهند بود. بنابراین زنان دارای ویژگی دوجنسیتی قادر به کنترل کردن ناملازمات زندگی مشترک خواهند بود، بنابراین احتمال طلاق گرفتن زنان دوجنسیتی کمتر خواهد بود.

یکی از محدودیت‌های اصلی این تحقیق عدم همکاری دادگاه‌ها و مراکز قضایی و همچنین نمونه تحقیق که شامل زنان در حین طلاق و مطلقه برا تکمیل کردن پرسشنامه بود. با توجه به محدودیت این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که به منظور گسترش پیدا کردن تحقیقات در زمینه‌های مهمی همچون پدیده طلاق، تفاهم نامه‌هایی در زمینه راحت کردن انجام تحقیقات بین دانشگاهیان و مراکز قضایی منعقد شود. با توجه به نتیجه فرضیه اول و وجود تفاوت معنی داری بین مولفه‌های عزت نفس جنسی در بین سه گروه زنان و به منظور موثر بودن تاثیر این مولفه‌ها و آشنایی کامل افراد با مسائل جنسی پیشنهاد می‌شود که قبل از ازدواج، در طی جلسات مشاوره به زوجین آموزش‌های کافی

در این زمینه داده شود. همچنین با توجه به نتیجه فرضیه دوم و مهم بودن بحث دوجنسیتی و اندورژنی در زنان، و این نتیجه که افراد متاهل که دارای ویژگی دوجنسیتی هستند، بیشترین گروه را در بین نمونه دارا می باشند، وجود کارگاه های آموزشی برای کلیه زنان و آموزش مسائل مهم زنانگی و مردانگی امری ضروری به نظر می رسد.

منابع:

ابوالقاسمی عباس، شیبانی حسین، نریمانی محمد، گنجی مسعود (۱۳۸۷) مقایسه ابعاد روان‌نژندی و آندورژنی در زنان نابارور و بارور شهر تهران، مجله علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دوره ۶۶، شماره ۷، مهر، ۵۱۴-۵۰۸.

اسدپور اسماعیل، ویسی سعید (۱۳۹۶) اثربخشی زوج درمانی هیجان-محور بر عزت نفس جنسی و عملکرد جنسی زنان مبتلا به اسکروز چندگانه، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک، سال ۲۰، شماره ۷ (۱۳۴)، مهر، ۱۲-۱.

خلیلی سمیرا، هنرپروان نازنین (۱۳۹۶) رابطه آگاهی فراشناختی و تمایز یافتگی با عزت نفس جنسی زنان، زن و مطالعات خانواده، سال ۹، شماره ۳۵، بهار، ۴۷-۳۵.

فتحی آشتیانی علی (۱۳۹۵)، *آزمون های روان شناختی*، انتشارات بعثت. تهران.

فرخی، سحر؛ شاره، حسین (۱۳۹۳). ویژگی های روان‌سنجی نسخه فارسی فرم کوتاه شاخص عزت نفس جنسی زنان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال بیستم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صص ۲۵۲-۲۶۳.

حبیبی حمدالله، فاطمی ماریا (۱۳۹۴) بررسی رابطه جنس و نقش جنسیتی با میزان تاب‌آوری، *مطالعات روان شناختی*، دوره ۱۱، شماره ۲، تابستان، ۱۳۴-۱۱۵.

Zeanah PD, Schwarz JC (1996), Reliability and validity of the Sexual Self-Esteem Inventory-Women. Assessment. 3(1):1-15.

Sayf, S. (2004). Comparison of the effects of divorce on the divorced men and women in the US and Iranian. Journal of Family Research. 1(1). 82-104.

Basoul S. (1999) *Sex role adapability*. New York: Allyn and bacon.

Brown, D. , & Tylka, T. (2011). Racial discrimination and resilience in African American young adults: Examining racial socialization as a moderator. *Journal of Black Psychology*, 37, 259-285.

Beth, A.V., Julien, B., Anthony, F.B. & Michael, C.A. (2010). Psychopathy, sexual behavior and self-esteem, it's different for girls. *Journal personality and individual differences*, 48 (7): 833-838.

Guess, M. K., Connell, K. A., Chudnoff, S., Adekoya, O., Richmond, C., Nixon, K. E., & Melman, A. (2017) The Effects of a Genital Vibratory Stimulation Device on Sexual Function and Genital Sensation. *Female Pelvic Medicine & Reconstructive Surgery*.

Melanie K, Offman A. (2007) Global self-esteem and sexual self-esteem as predictors of sexual communication in intimate relationships. *Canadian journal of human sexuality*; 18: 35-45.

Zeanah, P.D., & Schwarz, J.C. (2011). Reliability and validity of the sexual self-Esteem Inventory- Women. *Assessment*, 3, 1-15.



Comparison of Sexual and Androgenic Self Esteem of Divorce Applicant, Divorced and Normal Married People in Urmia

Fatemeh Abyari, Dr. Ali Khademi*

Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran;

Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran;

Abstract

The purpose of this study was to compare the sexual and androgen self-esteem of divorce applicant, divorcee and ordinary married people in Urmia. The present study was a causal comparative study. The statistical population of this study consisted of three groups. The first group consisted of women seeking divorce, the second group consisting of divorced women, and the third group consisting of ordinary married women in Urmia. To compare the groups, 48 divorced women, 48 divorced and 48 married women were selected as the study sample. A sample of women applying for divorce was referred to the family court in Urmia and 48 were selected as the sample using available sampling method. Available sampling method was used to select divorced women and married women. Measurement tools were the Women's Short-Form Sexual Self-Esteem Questionnaire (Zina & Schwarz, 1996) and the Bam gender role questionnaire. Multivariate analysis of variance was used to analyze the first hypothesis. To test the second hypothesis, considering the nominal androgenic variable, concurrent tables test was used by SPSS software. The results showed that the components of sexual self-esteem were different between the three groups of married, divorced and abstinent at the level of 5% and with 95% statistical confidence. There is also a significant difference in the level of androgen between married people and divorced people at the 5% level, But there was no significant difference between the two groups of divorce and abortion.

Keywords: sexual self-esteem, androgyny, divorced women, women during divorce, married women